

نامه‌های رسیده

«بسمه تعالی»

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت جناب آقای اژه‌ای:

نامه‌ای می‌نویسم و انتظار دارم هر چه زودتر به طور مشروح در شماره بعدی مجله استعدادهای درخشان پاسخ داده شود.

جناب آقای اژه‌ای اگر تفکیک رشته در سال دوم دبیرستان صورت گرفته و دانش‌آموزان انتخاب رشته کرده‌اند چرا مناطق محروم بی‌اطلاع مانده‌اند؟ اگر برایتان مقدور است زمانی تعیین کنید و تماس کوچکی با سازمانهای از یاد فراموش شده بگیرید و ما را از بی‌خبری درآورید.

من نوعی، که رشته‌ام ریاضی است چه اجباری به خواندن زیست‌شناسی ۲ دارم؟ یا من که هدفم تحصیل در رشته تجربی است چرا باید هندسه ۲ را با آن حجم سنگین و ضریب ۳ بخوانم؟ مگر وقت‌مان اضافی است یا مگر فشار نظام جدیدی که ابتدا روی مدارس عادی آزمایش شد و نمی‌دانم چگونه و با چه دلیلی برای ما تصویب گردید کم است؟ البته بالا بودن معلومات خوب است ولی اگر وقت باشد. مراکز محرومی که در استانهای دور افتاده قرار دارند چه اجباری به خواندن دروس اضافی برایشان است. به نظر من «سمپاد» هدف اصلی خود را که همانا پرورش استعدادهای درخشان است گم کرده!

ضمناً اگر طرح جدید «غنی‌سازی» سؤالات را مطرح می‌نمائید کمی زودتر و حداقل از ابتدای سال

تحصیلی بفرمائید تا دبیر مربوطه وقت بیشتری گذاشته و مسائلی را مطرح کنند که لااقل سرجلسه محصل زهره ترک نشود. اگر سؤالات غنی میشوند پس در صورت امکان معلمان هم غنی شوند. برای مثال دبیر ریاضی که از مناطق حومه استان در مدرسه ما به دلیل نبودن وقت دبیران سرشناس، برای تدریس در مرکز فعالیت می‌کند دو مبحث اساسی از درس را تمام نکرده و جلسات پایانی ترم را به مدرسه نمی‌آیند و جواب سؤالات جزوه ریاضی را برای ما زیراکس کرده تحویل دانش‌آموزان می‌دهد و وقتی هم به مدیر اعتراض می‌کنیم با ما لج کرده و از آوردن دبیر در ترم بعد هم سرباز می‌زند و به ما می‌گویند: نداشتن معلم به شما لطمه می‌زند نه به مرکز پس ارتباطی به ما ندارد.

حمل برگستاخی و بی ادبی نباشد ولی باید به من حق بدهید من که به خاطر درسی که اساساً به رشته من تعلق ندارد و جزء هدف اصلی من نمی‌باشد و چند واحد دارد. افت شدید معدل خواهم داشت باید از اینها هم آتشین‌تر بنویسم بخصوص با آن سؤالات غنی سازمان.

اگر فردا فرض مثال شرط معدل برای کنکور قائل شوند من دانش آموز چه باید بکنم؟ آیا گناه من قبول شدن در آزمون سمپاد است اگر چه به هیچ وجه حاضر به خارج شدن از این مرکز نیستم. اگر امکان دارد سری به شهرهای مختلف بزنید و با دانش‌آموزان از نزدیک صحبت کنید و مشکلات سازمان را از زبان خودشان بشنوید و ببینید دردشان چیست - البته می‌دانیم که مشغله شغلی شما بسیار زیاد است ولی مهمتر از آن آینده مملکت است که به دانش‌آموزان کشور بستگی دارد.

رسیدگی کنید و ببینید چرا برای مثال پنجشنبه‌ها مرکز ما تعطیل نمی‌باشد مگر حجم درسی ما از مراکز شهرهایی چون تهران یا شیراز یا اصفهان و... بیشتر است. در ضمن این تنها حرف من نیست بلکه حرف تمام دانش‌آموزان دبیرستانی است که در نظام جدید این مرکز تحصیل می‌کنند. اگر ممکن است به صورت مشروح و طوری که مرا قانع کند جواب مرا بدهید و امیدوارم این نامه از آن نامه‌هایی نباشد که سالیان سال در یکجا بماند و بعد هم با کاغذهای باطله دور ریخته شود.

گ . ف . دانش آموز دبیرستانی از مرکز

استعدادهای درخشان: از آخر شروع کنیم: الف - کلیه نامه‌های دریافتی جهت شماره بعد مجله تکلیفشان روشن می‌شود یا چاپ می‌شوند یا در قسمت «پرسشهای شما» به پرسشهای عام آنها پاسخ داده می‌شود و یا اعلام وصول می‌گردد. بعد هم دور ریخته نمی‌شود. ب - اینکه پاسخ ما شما را قانع کند مشکل است ما پاسخ را از زاویه دید خودمان می‌دهیم. امکان «همپوشی» اگر باشد به هدف رسیده‌ایم ج - ما فقط در شهرهاییکه به خاطر مسافت طولانی روزی سه ساعت در مسیر -

دانش‌آموزان در مسیر تردد فرسوده می‌شوند اجازه داده‌ایم پنجشنبه‌ها به فوق برنامه اختصاص یابد
د - شرط معدل اگر قرار باشد محاسبه شود صرفاً از امتحانات مشترک با دیگر مدارس آموزش و
پرورش خواهد بود که خودتان نوشته‌اید سؤالات غیرمشترک هم اینقدر آسان است که
دانش‌آموزان عادی مسخره می‌کنند. معلوم نیست سوال را یا نتیجه امتحان را؟ ه - سازمان از طریق
مدیریت‌های ستادی خود در زمینه‌های مختلف پیگیر مسائل می‌باشد. و - «غنی‌سازی» را در اجرا به
همکاران آموزشی نشان دادیم و اتفاقاً در برخی از دروس از شهر شما بهترین رتبه را در مقایسه با
دیگر مراکزیکه ذکر خیری از آنها بعمل آورده‌اید، آوردند. ز - اگر قرار است مثل تهران باشید،
همه چیز باید مثل تهران باشد. در فرزندان تهران تجربی‌ها، ریاضی رشته ریاضی را می‌خوانند
صدایشان هم در نمی‌آید. ح - در مورد نظام جدید، ما بایستی وارد این نظام می‌شدیم، چون
بهرحال زیرمجموعه وزارت آموزش و پرورش، هستیم. ط - امیدواریم موفق باشید. مرکز شما مرکز
موفقی است. انشاءالله به دانشگاه که رفتید قدر مرکزتان را بیشتر خواهید دانست.

بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض سلام و خسته نباشید به همه کسانی که برای آینده جامعه اسلامی ما
تلاش می‌کنند. و سلام به آنهایی که چشم امیدشان به جوانان این خاک است و همه
تلاششان بخاطر آنها و سلام به شما که ما دانش‌آموزان سازمان همیشه شما را پدر
خود دانسته‌ایم. اما حیف که این هفت سال چه زود گذشت، الان که در سال چهارم
تحصیل می‌کنم. این هفت سال را بعنوان بهترین سالهای زندگی می‌دانم و شاید بعدها
هم روزها برایم اینقدر آبی نباشد راستش قصد داشتم از شما بخاطر زحمات
بی‌شمارتان تشکر کنم ولی وقتی به آن همه تلاش نگاه کردم و به آن همه دستهایی
که دستهای کوچکم را گرفتند و پله پله بالا بردند نگاه می‌کنم یادم می‌رود که چطور
و از چه کسی تشکر کنم حتی فکر می‌کنم «خسته‌نباشید» هم بعنوان یک واژه تکراری
معنای خود را گم کرده است.

اما بهر حال امیدوارم که حاصل کار، خوشه‌های طلایی رنگی باشد که به شما
هدیه می‌کنم. (البته اگر بدست بیاید؟) راستش علت این همه دلتنگی‌ام بخاطر این
است که هیچ مکانی را مثل مدرسه‌مان ندیدم که در آن به هر مسئله‌ای فکرکنی راه را
برایت باز می‌کنند. و حتی دستت را هم می‌گیرند. شاید کسانی که در بیرون هستند

نفهمند چطور جایی به این کوچکی اینقدر جا برای پرواز دارد. حتی خود ما هم گاهی در بزرگی این فضاگم می‌شویم. گاهی شکایت می‌کنیم و... اما همه در درونمان همه چیز را می‌دانیم اما چیزی که بیش از هر چیز دیگر دوست داشتیم و دارم و ... «مسابقات قرآن» است. مسابقه‌ای منحصر به فرد (از هر جهت) و واقعاً همان چند روز تا یک سال من را رشد می‌داد (بدون آنکه خودم بفهمم) البته ما فقط خوبیهایش را می‌بینیم ولی شما مطمئناً مشکلات و رنجهای پشت صحنه را هم می‌بینید و ما بدون آنکه بدانیم سعی می‌کنیم بالاخره از چیزی حتی نمک غذا ایراد بگیریم و درگوشی بگوئیم از حق نگذریم خیلی خوب بود!!

می‌خواستم از برنامه جدید «مسابقات قرآن برای فارغ‌التحصیلان» تشکر کنم زیرا راهی جدید (و شاید بهترین راه) برای جمع شدن آنها (و در آینده ما) است. و مطمئناً زمانی برای تبادل افکار و مسائل مختلف و راهی نو برای رشد کسانی است که یک عمر سر در کتاب می‌کنند (البته همه).

اما از این مقدمه بلند که بگذریم می‌خواستم در رابطه با «مسابقات قرآن» چند نکته (غیر کنکوری) بگویم اولین نکته درباره داوری مسابقات خصوصاً بخش مفاهیم است (مشکل اکثر مسابقات مختلف!)

البته نمی‌دانم درست می‌گویم یا نه چون بهر حال ما کنارگود هستیم و شما وسطگود خیلی چیزها را ما نمی‌دانیم اما بهر حال ما آدمهای کنارگود اینطور حس می‌کنیم که در داوری یک چنین مسابقه‌ی منحصر بفردی بعضی چیزها رعایت نمی‌شود. مثلاً اینکه اگر واقعاً در بخش مفاهیم هدف ما از نوشتن چنین مقاله‌هایی بالاتر بردن سطح علمی و فکری ماست پس باید همین نتیجه حاصل شود که البته فکر می‌کنم ناخواسته از این هدف دور می‌شویم یعنی کسانی رتبه می‌آورند که تا حدی خود را دست کم گرفته‌اند و با جمع‌آوری مطالب (نه درک مفهومی و استدلالی) مقاله‌ای زیبا نوشته‌اند.

البته مطمئناً هدف بردن نیست و همانطور که شما گفته‌اید ما همه برنده‌ایم ولی فکر می‌کنم که وقتی انسان برای کاری برنامه‌ریزی می‌کند بهتر است آنرا به هدف نهایی نزدیک کند. چون ما وقتی در این مسابقه شرکت می‌کنیم پیش خودمان

می‌گوئیم «یک موضوع خوب! حالا درباره‌اش یک مقاله خوب می‌نویسم و باید سعی کنم برنده شوم.» و این جمله آخری خیلی مهم است. چون با اینکه هدف نهایی نیست اما ما را به آن نزدیک می‌کند و وقتی که در مسابقه نتیجه چیز دیگری باشد... البته مطمئناً داورهای گرامی تمام سعی خود را می‌کنند که داوری بحقی داشته باشند. اما فکر می‌کنم عدم آشنایی دقیق با منبع‌های مهم و عمومی باعث می‌شود که در انتخاب درست اشتباه کنند ولی اگر حتی یک آشنایی کلی با این کتابها و مآخذ داشته باشند و همینطور با موضوعات مقاله‌ها، داورها و انتخابها بهتر می‌شود و راه بهتری را نشان ما خواهد داد.

اما این عدم آشنایی منجر به یک مسئله دیگر هم می‌شود. و آن اینکه سؤالهایی که در حین دفاعیه مطرح می‌شود در یک حد درستی نیست. از بعضی سؤالهای سخت و تا حدی عجیب پرسیده می‌شود و از عده‌ای سؤالهایی که تقریباً خیلی از بچه‌ها می‌توانند به آن پاسخ بدهند. من نمی‌دانم این سؤالها در هنگام دفاعیه طرح می‌شود یا قبل آن، اما در هر حال معلوم است که خیلی روی آنها کار نشده است. البته می‌دانم که این سؤالها در ارتباط با مقاله‌های نوشته شده و به فراخور آنهاست و نمی‌توان همه سؤالها را در یک سطح ثابت نگاه داشت اما می‌توان آنرا در یک حد تعادل نگه داشت، تا مسئله‌ای مشابه چیزی که امسال دیدیم پیش نیاید (که یکی از داورها از یکی از شرکت‌کننده‌ها سؤال کرد که واقعاً عجیب بود و بعد از مسابقات فهمیدیم که سؤال اشتباه مطرح شده بود البته این برای هر کسی ممکن است پیش بیاید که در فکرش حرفی و برزانش حرفی دیگر باشد اما این تعارض در بعضی مواقع مشکل ایجاد می‌کند؟

اما در کل این مسابقات و روزهای آن بسیار شیرین و خاطره ساز هستند خصوصاً با نصایح پدران شما که فکر می‌کنم بهترین هدیه‌ای باشد که تا بحال گرفته‌ام. هیچگاه صحبت‌های شما را در اختتامیه مسابقات ارومیه از یاد نمی‌برم و آن شب زیبا را که حقیقتاً فکر و جان ما را تازه کرد. امیدوارم که همیشه لایق شنیدن حرفهای شما باشم حرفهایی که حاصل چند «ت» است؟

مثل: تلاش، تحصیل، تجربه، تعلیم، تهذیب و ...

اما هدف من از نوشتن این نامه این بود که وقتی به ورزش باستانی نگاه کردم فکر کردم که ورزشکاری که در وسط گود با سرعت می‌چرخد حتی اگر تمام زورخانه آینه کاری شده باشد نمی‌تواند چرخش خود را ببیند و فقط کسانی که کنار گود هستند می‌توانند آن را ببینند و درباره‌اش نظر بدهند و من هم فکر کردم شاید در همه این حرفها کلامی باشد که شما را در هر چه بهتر کردن این مسابقات یاری کند. بهر حال اگر جسارتی یا کاستی و نقصی در نوشته‌ام هست مثل همیشه بزرگوارانه ببخشید. چون هر چه باشد شما وسط گود هستید و ما کنار آن

والسلام

سمیه فتحعلی / چهارم دبیرستان

فرزانگان تهران

استعدادهای درخشان: ابتکار مسابقات قرآن برای فارغ التحصیلان که دانش‌آموزان سال چهارم را هم در بر می‌گیرد وظیفه‌ای برای ارتباط فرزندان متعهد سمپاد با ما می‌باشد امیدواریم کاستی‌های داوری در حد مقدور در سال آینده کم شود.

بسمه تعالی

محضر محترم دکتر آژهای سرپرست سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان

سلام علیکم:

ضمن آرزوی قبولی طاعات و عبادات و عرض تسلیت به مناسبت ایام سوگواری مولی الموحدين حضرت علی بن ابیطالب به استحضار میرساند که اخیراً و در آستانه پایان نیم سال اول ۷۶-۷۷ از سوی دفتر سازمان طرح غنی‌سازی سؤالات امتحانی بطور هماهنگ اجرا شد که در اکثر دروس مخصوصاً در درس هندسه ۱ و ۲ که اینجانب در مرکز بندرعباس وظیفه تدریس آن را بعهده دارم مشکلاتی آفریده که به نظر اینجانب ناگهانی بودن این امر و عدم آمادگی قبلی دانش‌آموزان با این گونه سؤالات از جمله دلایل این مشکلات می‌باشد و ظاهراً طی تماسهای تلفنی که با مراکز آموزشی شهرستانهای دیگر نیز داشته‌ایم از جمله یزد و تهران و ساری ظاهراً بندرعباس در این مشکل تنها نبوده لذا از آن مقام تقاضا دارد تا در مورد تغییر بارم و

یا هرگونه تصمیم مقتضی دیگر اقدام لازم بعمل آورید تا فشار روحی ناشی از این طرح بر دانش‌آموزان تقلیل یافته و فرصتی نبرای هماهنگ کردن خود با این سؤالات در ترمهای آینده داشته باشند انشاءاً...

با احترام - محمد علی چالاکی دبیر هفدهم ۱ و ۲ مراکز بندرعباس

استعدادهای درخشان: این امر قبل از دریافت نامه شما مورد بررسی دقیق قرار گرفت و تمهیداتی جهت در نظر گرفتن مشکلات برخی از مراکز به عمل آمد. هر چند نتایج این آزمونها تطابق بسیار جالبی با نمرات دبیران دقیق مراکز - از نظر نسبت نمره هر دانش‌آموز با دیگر دانش‌آموزان مرکز - را نشان می‌دهد.

«با یاد تنها دوست، که هر چه داریم از آن اوست.»

سلام علیکم، امیدوارم این سلام و خسته نباشید من را که از این راه دور و از کنج تنهایی من، نثار شما می‌شود، حداقل قدری از خستگی شما را خنثی کند. حدود ۲ سالی است که با مجلات و کتب شما آشنا شده‌ام. از کتب شما خیلی راضی‌ام اما مجلات...

راستش در مجله مطالبی دیده می‌شود که «لااقل من» با خوانندگان آنها آه از نهادم برمی‌آید. بگذارید از ابتدا بگویم، من دانش‌آموزی هستم که در نهایت بی بضاعتی درس خواندم. البته بی بضاعت از لحاظ کتب و منابع درسی. تا کلاس دوم دبیرستان دقیقاً نمی‌دانستم اصلاً سازمان استعداد‌های درخشان چیه. البته خوب یادم می‌آید وقتی پا به دوران راهنمایی گذاشتم، در کلاس ریاضی خوب می‌درخشیدم و چون معلمهای ریاضی، با معلمهای مدرسه فرزانگان آشنا بودند، سؤالات امتحانی و تمرینات جزوات تکمیلی آنها را می‌گرفتند و در اختیار من می‌گذاشتند تا تنهایی با آنها سرو کله خرد کنم. با اینکه روی برگه‌های امتحانی اسم سازمان را می‌دیدم و یا معلم مربوط می‌گفت که تمرینات از کتب محتوای تکمیلی است. ولی من هیچگاه شاید از روی خجالت سؤال نکردم که این مدرسه کجاست یا سؤالاتی از این قبیل.

در تمامی مسابقاتی که به صورت عادی بین مدارس راهنمایی برگزار می‌شد (منظورم در درس ریاضی) همیشه رتبه اول تا سوم مال من بود. برایم فرقی نمی‌کرد، اول، دوم یا سوم باشم به هر حال یکی را کسب می‌کردم. و یا به خوبی یادم است که معلمهای ریاضی تنها به این دلیل که من ۲۰ گرفته‌ام و برای اینکه حق من ضایع نشود به شاگردان دیگر ارفاقتی نمی‌کردند. دلیل اینکه من به مدرسه

فرزانگان راه نیافتن تنها عدم اطلاع از امتحان و حتی چگونگی ثبت نام بود، نمی‌دانم این کوتاهی از اولیاء مدرسه می‌شد یا هر چه، بهر حال قسمت این بود که من تنها و تنها با اتکاء بر خود درس بخوانم و صد البته در این راه سختی‌های زیادی را متحمل شده‌ام که از حوصله بحث خارج است. بهر حال از این صحبتها که بگذریم، همین که با سازمان آشنا شدم به هر زحمتی که بود خواهر و برادر کوچکترم را راهنمایی کردم تا در آزمون ثبت نام کنند و موفق شوند. و با لطف خدا یکی وارد دبیرستان فرزنانگان و دیگری وارد راهنمایی علامه حلی شد و عواملی شدند که من بیشتر با سازمان آشنا شوم، اما ای کاش آشنا نمی‌شدم. می‌گویید چرا؟

وقتی مجلات شمارا می‌خواندم و البته نامه‌هایی که در مجلات چاپ می‌شود، حسابی حالم را می‌گرفت. وقتی می‌دیدم که دانش‌آموزان شما گله می‌کنند که مثلاً چرا ما باید بعد از اینهمه تلاش وارد دانشگاه‌هایی شویم که دانش‌آموزان عادی درس می‌خوانند و وارد محیط‌هایی شویم که جو علمی آنها در سطح پایین قرار دارد و یا چرا ما نباید تسهیلات خاصی برای ورود به دانشگاه داشته باشیم و سؤالاتی از این قبیل، حسابی عصبانی شدم که چرا من این همه تلاش کردم تا خواهر و برادرم وارد این مرکز شوند. تنها امیدم به خداست که فکر و ذهن این دو به این شکل منحرف نشود. نمی‌دانم تعبیر دانش‌آموزان شما از بچه‌های عادی چیست؟ یعنی من که با زحمتهای شبانه‌روزی، بدون داشتن معلم برجسته و به قول شما بین بچه‌های عادی درس خواندم و فعلاً هم بچه عادی‌ای هستم، سطح معلومات و ضریب هوشم از شما پایین تر است اگر شما بچه‌های (تیزهوش) می‌دانستید که من به عنوان یک بچه عادی چه زحماتی را متحمل شدم. اگر از کتابخانه‌های مدرسه‌های عادی با خبر بودید و می‌دانستید که من برای دست یابی به کتب ریاضی، حتی کتبی که از هر کدام دست کم سه چهار جلد در مدرسه شماست چقدر هزینه و وقت صرف کردم و بعد از چه مقدار تلاش تنها در دو مرحله المپیاد موفق بودم، هیچگاه چنین (منصفانه) قضاوت نمی‌کردید. این صحبتها مدت زیادی در نهانخانه دل من جا خوش کرده بودند. حالا امیدوارم که با این نامه نوشتن، از دلم پاک شوند و جای خود را به خوشبینی بدهند، خوشبینی به سازمان، و نظرم به همان شکلی که در آغاز آشنایی بود برگردد.

ببینید هدف من تنها این بود که قدری شما را از محیطی که در آن قرار دارید بیورم و شما را به پای قضاوت عادلانه مغزتان بکشم و امیدوارم که موفق شده باشم. پس لطفاً از این به بعد این همه خود خواهانه قضاوت نکنید، و خودتان را از ما بهتران ندانید، و بدانید که اگر همین دانش‌آموزان عادی حداقل از $\frac{1}{10}$ امکانات شما بهره‌مند بودند خیلی موفق‌تر از شما عمل می‌کردند. نمی‌گویم امکانات خاص و برجسته و عالی‌ای دارید، ولی حداقل در مقیاس با سایر مدارس در وضع بهتری قرار

دارید.

حالا روی سخنم با شما کارکنان سمپاد است، نمی‌دانم اصلاً نامه مرا تا بدینجا خوانده‌اید یا نه، ولی بهر حال امیدوارم این زحمت را به خودتان داده باشید، من نمی‌خواهم کارهای شما را بی‌ارج کنم، می‌دانم زحمات زیاد متحمل می‌شوید از این رو از شما متشکرم، من وقتی دنبال چیزی می‌روم و به چیزی علاقه مند می‌شوم اگر عیب و ایرادی بینم هرگز ساکت نمی‌نشینم و حرف خودم را می‌زنم، تنها دلیل نامه نوشتن من، همین علاقه بود و البته حسن توجه به شما و به پیشرفت بچه‌های شما. حالاً که این نامه را می‌نویسم سال چهارم دبیرستان هستم، و خودم را برای کنکور، آماده می‌کنم، از شما هم التماس دعا دارم، می‌خواهم برایم دعا کنید تا شاید روزی این بچه عادی و صد البته بنده خرد و ذلیل خدا، بتواند قدمی برای اعتلا و پیشرفت کشورش، که آرزوی قلبی اوست، بردارد. نمی‌دانم اصلاً نامه من خوانده شده یا نه ولی اگر شما نگاهی هر چند سطحی بر آن انداخته‌اید از شما متشکرم و امیدوارم از صحبت‌های هجومی من ناراحت نشده باشید:

با آرزوی دیدن روزی که کشور ما به جایگاه واقعی خود برسد شما را به خدای بزرگ می‌سپارم.
امشب درون سینه من موج توفانهاست سیلاب خون در بستر رگهای من جاریست.
امشب در این صحرای بیفریاد، روح من چون عصمت آینه‌ها تنهاست
از طرف دوستی با فرسنگها فاصله

۲۹ آذر ۱۳۷۶

استعدادهای درخشان: خواهر عزیز، نامه شما را با اینکه با نگاه فراگیر نسبت به کلیه مراکز «سمپاد» نبود بطور کامل چاپ کردیم، اما چند نکته: در تهران مدارسی هستند که چند برابر علامه‌حلی و فرزنانگان امکانات دارند. آنچه مراکز سمپاد را جدا می‌کند این امکانات نیست. از سوی دیگر اگر یک دانش‌آموزی از مراکز سمپاد درخواست غیر معقولی دارد، عمداً به انعکاس و پاسخ آن می‌پردازیم تا نگاه عمومی «سمپاد» و مدیریت آن نسبت به مسائل روشن باشد. از طرفی سی‌هزار دانش‌آموز ساکت «سمپاد» بدون داشتن ادعائی خاص در خیلی موارد بدون اینکه نامی از آنها و مرکزشان بمیان آید در میان خیل عظیم دانش‌آموزان میهن‌اسلامی مان در تلاشند.

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر آراهی، ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان

با سلام و آرزوی موفقیت

هنگامی که اعلام شد که سازمان تصمیم دارد امتحانات تعدادی از دروس را در پایان ترم،

بصورت هماهنگ‌کننده کشوری اجرا نماید، ابهامات زیاد و چون و چراهای فراوانی بین دانش‌آموزان و دبیران و مسئولین به چشم می‌خورد ولی بر مبنای همان روش پیشین با مطالعه جدی در جهت رشد و یا حداقل حفظ موقعیت خوب تحصیلی خود، ضمن برنامه‌ریزی و حذف بسیاری از امورات جاری، نسبت به کسب آمادگیهای لازم، آنچه در توان بود اقدام نمودیم و متأسفانه در اولین آزمون هماهنگ (درس هندسه) خط بطلانی بر همه آن تلاشها و امیدها کشیده شد و احساس ناتوانی که در چهره همگان و حتی مربیان دیده می‌شد، دل را به اضطراب و آرزوها را به یأس نزدیکتر می‌ساخت. در اولین ضربه فنی، مدیریت باصطلاح پژوهشی سازمان و یا بهتر... که به نام طرح غنی سازی آزمونها، (البته بدور از انصاف آزمایش طرح را با سرنوشت خیل عظیمی از دانش‌آموزان بی‌خبر شهرستانی اجرا کردند) به عمل آمد، تعادل روانی خود را که بیش از هر زمان به آن احتیاج داشتیم بر هم زده شده یافتیم، دیگر دلداریهای اطرافیان، خصوصاً مسئولین نیز کار ساز نگردید. چرا که در امتحانات بعدی، تهاجم و یا بهتر شبیخون علم زدگی تهرانیها، بیشتر طعم ناکامی را، زهر آلودانه به دل‌های پرشوقمان فرو ریخت، و دستان لرزان و ناآرام دوستانمان، تصاویر زنده‌ای از ندامت و پشیمانی را که بنام دانش‌آموزان استعداد‌های درخشان در معرض تازیانه‌های دبیران مراکز و اخیراً مدیریت باصطلاح پژوهشی، در قالب اعمال سلیقه‌های شخصی و احتمالاً با قصد تجربه اندوزی قرار گرفته بود، می‌دیدیم، بطوریکه سینه‌های ملامال از عشق به معرفت و دانش ما را جریحه دار می‌کرد. و نمی‌دانیم به جرم چه گناهی در این ماه مبارک و رحمت و فضیلت، دعا‌های خود را مستجاب نمی‌یابیم و فریاد رسانِ مسئول و دست اندرکار، به خود نمی‌آیند و مسأله را رسیدگی نمی‌کنند. اگر چه دل‌های پر دردمان لبریز از گفته‌های شنیدنی است ولی آنچه مهم است گوش‌های شنوایی است که باید در اسرع وقت اقدام عاجلی را مبذول دارند.

دامنه علوم بقدری وسعت یافته که روز به روز تخصص‌های پیشین و حتی فعلی نیز، ویژگیهای خود را از دست می‌دهند. بنابر این از ناآموخته‌های افراد سؤال کردن هنر کهنه کاران ناموفقی است که به هیچ وجه نباید مجاز به تجربه مجدد آن باشیم. مسلماً شهرستانیها هم اگر خدای ناکرده قصد و اجازه زور آزمایی داشته باشند. فنون و رموز ناشناخته زیادی برای اعجاز دیگران در آستین دارند ولی هرگز چنین مباد.

والسلام

استعداد‌های درخشان: خوشحال می‌شدیم نگارنده نامه اثری از شهر خود بجا می‌گذاشت تا نتایج

مرکز را بررسی می‌کردیم. داوری «غنی سازی» امتحانات را به عهده دانش‌آموزان گذاشته‌ایم.

«بنام خدا»

ما زنده از آنیم که آرام نگیریم موجب که آسودگی ما هدف ماست

باسلام و عرض خسته نباشید حضور ریاست محترم سازمان

هدفم از نوشتن این نامه تشکر و قدردانی از زحمات گرانقدر شما عزیزان در اجرای طرح «غنی سازی»
سؤالات سمپاد است. این طرح جالب و غیر منتظره سبب شد تا ما دانش‌آموزان، اندکی به خود آییم و
استعدادها و مهارت‌هایمان را جدی‌تر بگیریم. غیر قابل پیش‌بینی بودن کیفیت سؤالات از مزایای بارز
این امتحانات بود که سبب شد و سعت اندیشه‌هایمان بیشتر گردد و خلأ بحث‌های غیردرسی در کلاسهای
درس را با مطالعه‌های غیردرسی پرکنیم. هرچند این زمان برای شروع چنین طرحی قدری دیر بود
ولی به قول قدیمیها «ماهی را هر وقت از آب بگیرید تازه است.» اگر این طرح ادامه یابد و دبیران
محترم نیز مطالبی با سطح بالاتر از سطح کتابهای وزارتی در کلاس مطرح کنند و به دانش‌آموزان
اجازه بحث و اظهار نظر بدهند مطمئناً نتیجه‌ای رضایت‌بخش حاصل خواهد شد. مسئله دیگری که
می‌خواستم عرض کنم این است که چرا سازمان طرح کارسوق را هر سال در تمامی مراکز سمپاد
برگزار نمی‌کند. فکر می‌کنم الحمداً... سازمان به اندازه کافی فارغ‌التحصیلان مستعد و زرنگ دارد تا
در انجام این کار از آنها یاری بخواهد کارسوق ترکیبی ریاضی و فیزیک که سال گذشته (بهمن ماه
سال ۷۵) در مرکز ما برگزار شد خاطره بسیار خوشی در ذهن بچه‌ها بجا گذاشت. در آن روز ما
دانش‌آموزان مجال یافتیم تا به دور از هرگونه مشغله درسی با مطالبی آشنا شویم که مطالعه بسیاری از
کتابهای ریاضی و فیزیک را برایمان آسان کرد. بجاست در همین نامه از اعضای تیم اعزام شده به
شهرمان آقایان مرشدیان، بحرینی، جرأتی، احدیان، جعفری‌نژاد و ... تشکر کرده باشم. بار دیگر
در پایان نامه بخاطر تمام خدمات ارزنده شما سپاسگزاری می‌کنم و از خداوند بزرگ می‌خواهم که
شما بزرگواران را در این امر پراجری یاری فرماید.

با احترام، رقیه گورانی

دانش‌آموز سال دوم دبیرستان

فرزانگان زنجان

«هوالمستعان»

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت سرپرست محترم سازمان جناب آقای دکتر‌آزاد. با توجه به

این امر که مرکز ما، مرکز نسبتاً فعالی است و مایل می‌باشد در تمام فعالیتهای سازمان شرکت کند لذا از شما خواهشمندیم مرکز ما و خود ما و (دانش‌آموزان) را از زمان و چگونگی برگزاری و شرکت در «جشنواره خوارزمی» آگاه سازید، و شرایط شرکت در این جشنواره و جشنواره‌های نظیر آنرا به ما هم بگوئید تا بتوانیم در اینگونه برنامه‌های سازمان نیز شرکت کنیم و نوآوری‌ها و ابتکارات دانش‌آموزان و مرکزمان را ارائه دهیم.

سؤال دیگرمان این است که برای شرکت در این جشنواره وسیله ساخت خودمان را چگونه و به کجا و توسط چه کسی (مدیر مدرسه یا خودمان)، ارسال کنیم؟

باتشکر - دانش‌آموزان مرکز فرزندانگان «اردبیل»

استعدادهای درخشان: بخشنامه مربوط به جشنواره خوارزمی از طریق ادارات کل و همینطور مدیریت پژوهشی سازمان به کلیه دبیرستانها اعلام می‌شود. مرکز آموزشی موظف به کسب اطلاع و ارسال طرحهای دانش‌آموزی به استان است. طرحها در صورت موفقیت استانی از طریق ادارات کل به تهران ارسال می‌شود.

«بسمه تعالی»

جناب آقای دکتر آژهای

ضمن عرض سلام و تبریک برای تلاشها و کوششهای مهم، پرارزش و مداومی که جنابعالی و همکاران برای پیشبرد مقاصد "سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان" (سمپاد) نموده‌اید و تهنیت برای موفقیت‌های درخشان‌تان که تاکنون نصیب "سمپاد" شده است، لطفاً ممکنست دستور بفرمائید ترتیبی داده شود که مجله "استعداد‌های درخشان" مرتباً به این آدرس ارسال شود. ضمناً اگر شماره‌های سال ۱۳۷۵ نیز موجود باشد و ارسال آن شماره‌ها هم امکان‌پذیر باشد از دریافتشان بینهایت سپاسگزار خواهیم بود.

جنابعالی در راه بسیار مقدسی حرکت می‌کنید و به گفته حافظ:

"هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق" ثبت است بر جریده عالم دوام ما.

حرکت در این راه مقدس می‌تواند خدمت بزرگی برای کشورمان باشد و برای هر ایرانی افتخار بسیار بزرگی است که لیاقت و شایستگی همگامی با جنابعالی را در این

مسیر داشته باشد و بتواند در این جنبش زیبا و درخشان قدم کوچکی بردارد و به این سرزمین خدمتی بنماید. بگفته مولانا:

"باید که جمله جان شوی تالایق جانان شوی
گر سوی مستان میروی، مستانه شو مستانه شو"
شکرانه دادی عشق را از تحفه‌ها و مالها
هل مال را، خود رابده، شکرانه شو شکرانه شو"
با عرض تشکر و تقدیم احترام،
به امید دیدار حبیب...مینو
بخش فیزیک پلاسما سازمان انرژی اتمی ایران

«بسمه تعالی»

جناب آقای دکتر آراهی

با سلام، اینجانبان ولی دانش آموزی از فرزندان شما در مدرسه..... شهر.....، بسیار خوشحال و مفتخر از بابت حضور فرزندان در آن مرکز هستیم، جاییکه بودن در آن آرزوی تمام دانش آموزان ایرانی بوده و می‌باشد. چیزی که در درجه اول و بیش از هر فاکتور نظر ما را جلب و تأمین نموده است مدیریت مرکز می‌باشند که حضورشان بمثابة یک پدر، دوست و بعد یک معلم و مدیر متجلی است. رفتار ایشان یک الگوی کامل برای سایر همکاران در مرکز و در درجه بعد برای اولیای دانش آموزان و هر آنکس که بنحوی در ارتباط با این مدرسه است می‌باشد، بطوریکه در مراجعه به آنجا احساس می‌شود تقریباً تمام مریبان و دیران انگار با داشتن ضوابط خاص اخلاقی گزینش گردیده‌اند، در صورتیکه با بررسیهای بیشتر متوجه می‌شویم تحت تأثیر برخوردها و رفتار انسانی، متعهدانه، عاشقانه و مبتکرانه مدیریت مرکز، ساخته شده‌اند. اگر چه قطعاً در گزینش افراد تا حدودی بعضی ضوابط منظور گردیده است.

وجود این جو انسانی، مسئولیت‌پذیری، مهر و محبت در مدرسه باعث یادگیری بهتر و شکوفا شدن بیشتر استعدادها و علاقه‌مندی بچه‌ها به درس و مدرسه گردیده که کارنامه و عملکرد مرکز بهترین گواه می‌باشد. جلسات عمومی مرکز که در طول سال تحصیلی و یا در تابستان به مناسبت‌های مختلف با حضور اولیاء برگزار می‌گردد و

سخنرانی و ارائه گزارشات توسط ایشان برای تمامی والدین بچه‌ها فرصتهای بسیار مغتنم و ارزشمندی بوده که با زوایا مختلف ضمیر ناشناخته و یا کم شناخته شده فرزندان‌شان و نحوه برخورد و رفتار درست در مقابل آنها را می‌یابند. احساس ما و بقیه والدین اینستکه، ایشان تمام هم و غم خود را وقف شناخت بیشتر و بهتر این فرزندان و خدمت به آنها نموده و الحق بعنوان کارشناس برجسته روانشناسی این بچه‌ها جلوه می‌نماید و خیلی دقیق به نقاط قوت و ضعف آنها و والدین آشنا بوده و توصیه ایشان همواره راهگشاست.

شناخت استعداد‌های مختلف دانش‌آموزان و تقویت آن، تشویق‌های بموقع و متناسب که باعث تحول و تقویت روحی آنها می‌گردد، پیگیری امور مربوط به آنها به طور مستمر، استفاده از امکانات و توانایی‌های دانش‌آموزان در خدمت تمام دانش‌آموزان مرکز، احساس مسئولیت نسبت به آنها بهنگام اعزام ایشان به اردوها و همراهی آنها که باعث دلگرمی ایشان و خاطر جمعی والدین می‌گردد، تماماً از ویژگی‌های وی است.

مدتهاست فکر میکردیم چگونه با انعکاس این واقعیتها از خدمات ایشان و همکارانشان تقدیر و تشکر نمائیم تا اینکه مطالعه فصلنامه سمپاد و دیدن نامه‌های والدین به جنابعالی این دیده را به ما داد تا باین وسیله کمترین قدرشناسی خود را بعمل آوریم. البته این موضوع برای ما کاملاً روشن است که این ویژگیها و این افراد در محیطی که سازمان (سمپاد) و در رأس آن، شما فراهم آورده‌اید نشو و نما می‌یابد. علاقه و همت فراوان شما و سازمان و از همه مهمتر بینش مرقی و متعالی و ایثار شما زمینه ساز گسترش سازمان در اقصی نقاط کشور و متحول شدن استعداد‌های فرزندان این مرز و بوم گردیده که از خداوند متعال برای شما و تمام خدمتگزاران و دلسوزان میهن آرزوی توفیق روزافزون می‌نمائیم.

باتشکر و آرزوی توفیق روزافزون

ه. م. و. م. غ. ۷۶/۹/۱۸

استعداد‌های درخشان: ما نیز از والدین عزیزی که از مدیر زحمتکش و پرتلاش ما قدردانی کرده‌اند

تشکر می‌کنیم، نام «مدیر» و «مرکز» را بخاطر تعمیم به همه مدیرانی که اینگونه‌اند نیاوردیم تا بگونه‌ای این نامه را برای همه آنها بدانیم.

نامه‌ها و نوشته‌های شما عزیزان دریافت شد، برخی سؤالات طرح شده در این نامه‌ها که جنبه عام داشته است را در بخش «پرسشهای شما» پاسخ گفته‌ایم و چنانچه مطالب قابل پیگیری در این نامه‌ها وجود داشته است، به مدیریت‌های ذیربط ارجاع داده‌ایم.

□ آبادان ، مرکز فرزنانگان: / زهرارگری □ اراک ، مرکز علامه حلی: کامیار پای خان / خسرو ادیب نیا □ اردبیل، مرکز فرزنانگان : نوشین شیخ باقری، سعیده حیدری اصل / احد معماری □ ارومیه : سمیه فلاحت □ اصفهان : دانش آموز مرکز فرزنانگان امین □ اهواز، مرکز فرزنانگان: نگار اسکندری / مرکز شهید بهشتی: محمدحسین ساعی □ بروجرد: سعید مهدوی / ک. گودرزی □ بندرعباس : حسین نمازی □ بیرجند، مرکز شهید بهشتی: داوود صحرانورد □ تبریز: دانش آموز دبیرستان فرزنانگان (دو نامه) / اشرف ذکری □ تهران : مرتضی علی □ دزفول : حسین بنی نجار □ رشت : دانش آموز مرکز فرزنانگان (دبیرستان) □ زاهدان :ام‌البین کیخا □ زنجان ، مرکز فرزنانگان: ن. ا.ر. □ سبزوار: دانش آموز مرکز شهید بهشتی □ سمنان : سمیه غریبشانیان □ سنندج : دانش آموز اول دبیرستان فرزنانگان □ شاهرود: زینب جعفری □ شهرکرد: مریم آل رسول / مرکز شهید بهشتی: دانش آموز سال سوم □ شیراز : دانش آموز دبیرستان فرزنانگان □ لنگرود : نسترن محبوبی □ نیشابور: م. ر. از مرکز فرزنانگان □ همدان : دانش آموز مرکز فرزنانگان